

بررسی اثر سرمایه داری بر شکل گیری طبقات در دوره قاجار

فاطمه نوری^۱

^۱ کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه

چکیده

واژه طبقه به معنای رسته ای از مردم؛ دسته یا صنف و مرتبه است و در برابر class در زبان فرانسه است که خود از ریشه لاتین classis گرفته شده است. مفهوم طبقه نخستین بار توسط آدام اسمیت مطرح شد. تعاریف زیادی از طبقه داده شده از جمله: آرتور بوبر (۱۹۰۲) معتقد بود طبقه اجتماعی؛ مجموعه ای از گروه های اجتماعی است که از شرایط اقتصادی؛ روابط تولیدی؛ منزلت اجتماعی و موضع سیاسی مشابهی برخوردارند. (آلن؛ ۱۳۸۰: ۳۴۲) قاجار نام دودمانی بود که از سال ۱۷۹۴ تا ۱۹۲۵ بر ایران حکم راندند. آنان از ترکمان های استرآباد گرگان بودند. نام قاجار ریشه در کلمه ی آقاجر به معنی جنگ جوی جنگل دارد. در این دوره سرمایه داری در جهان غرب گسترش یافت. تحولاتی چون صنعت چاپ؛ تلگراف؛ تلفن و.... رونق یافته بود. این ارتباطات باعث تغییر در ساختار طبقاتی ایران در دوره قاجار شد. از جمله اعزام دانشجویان به خارج از کشور. (آراسته خو؛ ۱۳۸۱: ۶۶۹)

واژه های کلیدی: قاجار، ساختار طبقاتی، سرمایه داری، ایران، روشنفکران

۱. مقدمه

شکل دیگر انقلاب صنعتی در قرن هجدهم؛ ساختار کلیسایی قرون وسطا را تغییر داد و نظام فودالی جوامع اروپایی را برانداخت. از بدنه ی این تحولات؛ نظام سرمایه داری متولد شد که ساختار طبقاتی اروپا را متحول کرد. پادشاهان قاجار به خصوص ناصرالدین شاه به دلیل سفرهای متعدد خود به اروپا؛ بستر ورود این تحولات به ایران را باز کرد. نکته ی مهم قدرت نظام سرمایه داری برای نفوذ به جامعه ی ایران بود که مرا به سمت انتخاب این موضوع سوق داد. اینکه سرمایه داری از چه زمینه هایی وارد ایران شد که منجر به تغییر ساختار طبقاتی شد؟ سه سوال در این تحقیق برای من مطرح شد:

۱- چه موضعی برای نفوذ نظام سرمایه داری به ایران وجود داشت؟

۲- نظام سرمایه داری از چه بسترهایی وارد ایران شد؟

۳- این رخ داد ها منجر به تغییر کدام ساختارهای طبقاتی در ایران شد؟

اهمیت این موضوع به این دلیل است که تغییر ساختار طبقاتی و باز شدن فضای ورود افکار جدید به کشور زمینه را برای شکل گیری انقلاب مشروطه در ایران فراهم کرد. (شمیم؛ ۱۳۷۹: ۴۰۰)
ما این مفاهیم را تحت عنوان را در قالب سه سوال بررسی خواهیم کرد تا از طریق تجمیع داده ها به نتایجی برسیم.

۲. پیشینه ی تحقیق

در این راستا تحقیقاتی از پیش و مرتبط با موضوع این مقاله صورت گرفته .از جمله مقاله ی چرخش نخبگان سیاسی در اوایل و اواخر قرن نوزده اثر دکتر رضا اکرم پور که نخبگان را به دو دسته ی حاکم و غیر حاکم تقسیم می کند و پیدایش ان هارا به فضای متعادل قبا از انقلاب مشروطه نسبت می دهد. او از نظریه ی چرخش نخبگان پارتو برای شکل دهی به چارچوب نظری مقاله ی خود بهره گرفته است.

تحقیقات بعدی اثر موريس داب رودنی و هيلتون هستند که نظریه تجاری شدن را در دوران بعد از جنگ جهانی دوم (جنگ سرد) را پر گذار بر تغییر ساختار طبقاتی غرب می دانند اما آنچه من در این تحقیق به ان خواهم پرداخت؛ موضع گیری اقشار مختلف جامعه ایران در زمان ورود کاپیتالیسم به ایران است چراکه در تحقیقات فوق بازخورد نظرات مردم نسبت به نفوذ سرمایه داری بررسی نشده است و در این مقاله این وجه نیز تکمیل خواهد شد. (شمیم؛ ۱۳۷۹: ۴۲۰)

۳. چارچوب نظری

در این رابطه می توان از نظریات کارل مارکس در مکتب تضاد بهره گرفت. دو مغلغه ی اصلی در نظریات او سرمایه داری و اثر آن بر طبقات بود. وی اعتقاد داشت در گذر از تاریخ جوامع انسانی؛ پنج کمون را از برده داری تا سوسیالیسم را سپری می کنند که ظهور انقلاب صنعتی در قرن هجدهم و تولد سرمایه داری باعث پیدایش کارگر و سرمایه دار شد و این دو قشر بر تحولات تاریخی روندی سریع می بخشند. این دو قشر و اختلاف روزافزون آن ها با پیشرفت روند سرمایه داری منجر به اختلافاتی در سطح طبقات جوامع غربی شد که ما لایه هایی از این اپرات را در جامعه ی ایران احساس کرده ایم. در این تحقیق نیز اثر سرمایه داری و تضاد حاصل از آن را بر تغییرات بافت طبقاتی در ایران بررسی می کنیم.

۴. تحلیل و بررسی

منطق گرایش به سرمایه داری این است که قبل از بررسی تغییرات در ایران؛ می توان به کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری اشاره داشت و بر معتقد بود که عامل اثرگذار در پیدایش سرمایه داری نوع غربی ویژگی های اخلاق پروتستان و تعلیمات لوتر و کالون در نهضت اصلاح دینی است.

کسب منفعت و هدر ندادن وقت و کار از جمله ویژگی های فعالیت انسانی است اما این تحولات رنگ مذهبی و دینی هم داشت. رابطه ای بین مذهب و فعالیت اقتصادی جرقه ای بود برای ایجاد سلسله ای از تغییرات سرمایه داری صنعتی اما نظام سرمایه داری پیش از استقرار خود همان اخلاق قرون وسطایی را که منجر به نظام اقتصادی جدید شده بود ریشه کن کرد. در ایران نیز زمینه های سرمایه داری غربی در نظام دینی نفوذ کرده بود و منطق اقتصادی و طبقاتی را تغییر داد. (گودرزی؛ ۱۳۸۷: ۵۷۰)

۵. سه گونه گرایش فکری ایران دوره قاجار

۱- دوره اول: آزاد اندیشی و روشن فکری که نوعی اقتباس فکری از غرب به شمار می رفت که از شاخصه های اصلی آن؛ حقوق طبیعی آدمی؛ حکومت غربی و سکولار؛ قانون گذاری بشری و شخصی بودن دین است.

۲- نواندیشان دینی که می کوشیدند فردگرایی و علم و آزادی و تحول را با قواعد مذهبی و اسلامی ترکیب کنند و از تعصب دینی بپرهیزند.

۳- اصول گرایی دینی و مشروطه خواهی: شریعت را حقیقتی ثابت و فراتاریخی می انگاشت. این دسته یکی از موانع نفوذ سرمایه داری و به دنبال آن تغییر طبقات بود. (گودرزی؛ ۱۳۸۷: ۹۰)

مسئله ی بعدی آزاداندیشی و آزادی خواهی غرب گرایانه:

اینان در قرن نوزده در اثر آشنایی با آموزه های فرهنگ غرب؛ خواهان اصلاح ساختاری و فرهنگی ایران بودند. دغدغه ی اصلی در آن زمان؛ رویارویی جامعه غرب با ایران بود که موجب پیشرفت ها و پرسش های متعددی در زمینه دین شد. روشن فکران عصر مشروطه تنها دانش را علم می پنداشتند و آن را تحت عنوان علم جدید در معیار تجددخواهی می دیدند؛ در مقابل علم قدیم (دینی).

اکثریت اصحاب نواندیش ؛ اهل قلم ها؛ مترجمان و تحصیل کرده گان فرهنگ غرب بودند. اینان در اثر اعزام شدن به خارج از کشور؛ اصول اندیشه غربی را در ایران وارد کردند:

۱- حقوق طبیعی آدمی ۲- سکولاریسم ۳- جایگاه دینی ۴- قانون گذاری بشر. نواندیشان دینی که سیدجمال الدین اسد آبادی و شیخ هادی نجم آبادی از جمله آن ها بودند که از سویی نمی توانستند تحولات غرب و اثر آن بر ایران را نادیده بگیرند و به آن احساس نیاز می کردند و از طرفی دغدغه ی مذهبی هم داشتند پس سعی می کردند این دو مقوله را طوری سازمان دهی کنند که پاسخ گوی سوالات معاصر باشند.

اصول گرایی دینی و مشروطه خواهی به نمایندگی کسانی مثل شیخ فضل الله نوری و کاظم یزدی که اعتقادی به اثر گرفتن از سرمایه داری و اندیشه های آن نداشتند. (گودرزی؛ ۱۳۸۷: ۹۸)

اما گروهی که تلاش داشتند فرهنگ دینی و پیشرفت های غرب را طوری باهم تلفیق کنند که بتوانند پاسخ گوی نیازهای جدید باشند. تلاش این گروه بعدها هم در ایران و خارج از ایران ادامه داشت و در همین دهه های اخیر شخصیت هایی مانند شریعتی؛ طالقانی و بازرگان از ادامه دهندگان راه این گروه هستند.

تفکر جدید در ایران بر خلاف خاستگاه تاریخی خود در غرب؛ هیچ گاه بر بنیاد پیدایی شرایط اجتماعی و اقتصادی جدید استوار نبود و هیچ اندیشه ای که چنین شرایطی را تبیین کند تکوین نیافت.

جوامع غربی فرآیندی را طی کرده بودند و تحولات ذهنی و عینی عمیقی پشت سرگذاشته بودند تا به مرحله مدرنیسم رسیدند. نظریه ی حیوان ماشینی دکارت به انسان جدیدی با یک فلسفه جدید تبدیل شده که مذهب اصالت ماده و اصالت طبیعت ایجاد شد.

اصالت طبیعت به اصالت علم منجر شد. فرهنگ غرب اخذ شد اما از دستاوردهای آن به شکل شایسته استفاده نشد که بعدها منشا مشکلات زیادی شد. وارد شدن فرهنگ غرب به ایران؛ عالمان دین را به پاسخ گویی به سوالات جدید ترغیب کرد. این امر موتور محرکه جریان های جدید فرهنگی شد.

این تحولات باعث آرایش قشر روشن فکران در کنار تحصیل کردگان بود که این گروه روشن فکری در عقایدی شریک بودند از جمله:

برتری تمدن غرب؛ توسل مسالمت آمیز به دین اسلام؛ تساهل و تسامح نسبت به ادیان دیگر؛ اومانیسم؛ طرفداری از تجدیدو اصلاح دینی و گاهی حذف آن از برخی عرصه های زندگی اجتماعی و.... کم تر اثری را می توان در بین روشن فکران یافت که ردپایی از دین گرچه به طور ناخواسته در آن وجود نداشته باشد.

(گودرزی؛ ۱۳۸۷: ۱۰۱)

گفتمان روز دوره قاجار که تقریباً تمام روشن فکران آن دوره را تحت تاثیر قرارداد بود شامل دین ستیزان به پرچم داری آخوند زاده؛ دسته آشتی گرایان به رهبری میرزاملکم خان و تفکیک باوران به رهبری طالبوف تبریزی.

اینان گروهی از نمایندگان طبقاتی بودند که با تاثیر از غرب؛ در جامعه ایران سربراوردند. طالبوف از جمله کسانی بود که با علوم طبیعی و فیزیک آشنایی داشت اما تحصیلات دانشگاهی نداشت و تمام تلاش خود را برای رهایی ایران از بن بست انجام می داد. او صوراسرافیل را در جامعه آن روز ایران انتشار داد که مردم را به سمت ترویج مطالعه گرایش می داد و این نشریات خودشان هم اثر گرفته از رواج صنعت چاپ در غرب و ورود آن به ایران بود. در کشور ما کم تر کسی پیدا می شد که به دور از تعصبات فکری و سیاسی به دنبال کشف حقایق علمی برود اما با رواج و اقتباس علم از غرب که ما بعد از سرمایه داری شکل گرفته بود؛ مردم ایران و به خصوص روشن فکران به کار دینی روی آوردند. (گودرزی؛ ۱۳۸۷: ۲۴۰)

در این بین دو جریان افراطی وجود داشت:

۱- آخوندزاده که گرایش دین گریزی داشت.

۲- عده ای هم بودند که با کل نظام سرمایه داری و حوادث بعد از آن مخالف بودند و آن را دسیسه ای برای نفوذ و رسوخ فرهنگ غرب می دانستند

غرب در مسیر خود ساختار کلیسایی را اصلاح کرد و به سمت مادی گرایی و اصالت ماده حرکت کرد که این روند بسیاری از بافت های طبقاتی اروپا را دچار دگرگونی کرده بود زیرا به قول آگوست کنت: علم تنها ساختار ارزشمند جامعه غربی بود.

همین تغییرات از بخشی جهات در جامعه ایران نیز اتفاق افتاد.

(گودرزی؛ ۱۳۸۷: ۲۴۲)

تقریباً تمام محققین تاسیس دارالفنون و اعزام دانشجویان و محصلان به خارج از کشور را به عنوان یکی از عوامل نشر تمدن جدید و تغییر ترکیب طبقاتی در ایران می دانستند که به دلیل شکست های پی در پی قاجاریان و جنگ با روسیه و رابطه با جهان غرب؛ ترغیب به آموختن علوم و فنون جدید شدند.

(گودرزی؛ ۱۳۸۷: ۴۴۱)

به دنبال این اقدام هم تاسیس کتابخانه ملی؛ یکی از اقدامات منورالفکران در جهت تسهیل تربیت نسل نواندیش بود... سرمایه داری با مرکزیت قراردادن زنان و کشیدن نباله های آن به ایران توسط منورالفکران باعث تغییراتی در زمینه حساسیت زدایی از محدودیت های خانم ها در جامعه ایران می شد.

(گودرزی؛ ۱۳۸۷: ۴۴۵)

این حرکت ابتدا از تحصیل کردگان فرهنگ غرب شروع شد و باعث شکل گیری گروه های جدیدی از زنان شدولی مقاومت هایی در برابر آنان توسط جریان های دینی شکل گرفت که موجب می شد این دوجریان در مقابل یکدیگر قرار بگیرند. (گودرزی؛ ۱۳۸۷: ۴۷۰)

در عصر قاجار؛ حکومت داری و جنگ و ستیز های آقامحمد خان از فعالیت های غالب بود و سپس در زمان فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه؛ ایران مورد توجه کشورهای دیگر قرار گرفت که حاصل همین جنگ و ستیز ها بود و سپس به تدریج ارتباط ایران با کشورهای دیگر برقرار شد و زمینه ای را برای نفوذ سرمایه داریداریان را ایجاد کرد. انقلاب کبیر فرانسه و روی کار آمدن امیرکبیر اثر زیادی در آگاه سازی طبقات ایرانی نسبت به معایب حکومت وقت داشت و ادامه این افکار منجر به تاسیس دارالفنون و روی کار آمدن روشن فکران داشت (شمیم؛ ۱۳۷۹: ۱۸۷)

سید جمال الدین اسدآبادی درباره تلفیق متون اسلام با غرب؛ با عالم و مورخ مشهور فرانسوی ارنست رنان تبادل افکار می کرد. سفر های خارجی ناصرالدین شاه ابتدا از کشور عراق شروع شد و سپس به کشورهای اروپایی گسترش یافت. سرآغاز و دریچه نفوذ سرمایه داری به ایران و تغییر طبقات همین وقایع بود. (شمیم؛ ۱۳۸۷: ۱۹۳)

اولین حاصل سفرهای ناصرالدین شاه؛ تشکیل سیزده وزارت شامل: داخله-مالیه-خارج-عدلیه-خزانه-گمرک و... بود. دارالترجمه هایی هم ایجاد شد که بستری برای ظهور طبقات تحصیل کرده و رسوخ فکری سرمایه داری غربی بود. چاپارخانه ها به شیوه جدید توسط خود ایرانیان اداره می شد و مبادلات پستی بین روسیه؛ هند؛ خاور دور و ایران از راه بوشهر رونق گرفت نخستین خط تلگراف در سال ۱۲۶۷ در دوره سوم سلطنت ناصرالدین شاه تاسیس شد که در آن کشورهای روسیه و انگلیس دخالت داشتند. ناصرالدین شاه با تاثیر از غرب نویسندگانی چون رضاقلی خان هدایت و سپهر را به نوشتن کتاب های تاریخی ترغیب می کند. (شمیم؛ ۱۳۷۹: ۲۰۵)

جامعه ایران در دوره قاجاریه علی رغم فرهنگ و تمدن کهنسال خود؛ یک جامعه قرون وسطایی و واجد قسمت عمده ای از خصوصیات آن بود و تعصبات ملی و مذهبی شدید بر تفکرات اکثر مردم جامعه حکم فرما بود. ایرانیان سخت پای بند به آداب و رسوم خود بودند و از هرگونه نفوذ و تاثیر شیوه جدید زندگی و تمدن غرب برکنار مانده بود. در دوره قبل از قاجاریه یعنی عصر صفوی (قرن دهم هجری) ایران با اروپا روابط محدودی در زمینه بازرگانی داشت و حکومت صفویه در تلاش بود جامعه ایرانی را از تماس با بیگانگان دور نگه دارد. همین روال جامعه ایران در دوره قاجاریه هم وارث این منطق بودند و در نتیجه ترکیب جامعه ایران به دو دسته طبقه حاکم و محکوم تقسیم می شد:

۱- طبقه حاکم؛ دولت بود که تمام اقتدار کشور را در دست داشت و تمام عوامل خدمت گذار دولت هم نوکران شاه خوانده می شدند

۲- روحانیت که از دیرباز در قلب مردم ایران حضور داشتند از مسپله گویان تا علمای طراز اول؛ یک رشته به نسبت نامرپی تر بودند که برای رسیدن به اهداف مشترک می کوشیدند.

۳- در بین این دو طبقه هم مردمانی بودند که همیشه برسر رسیدن به قدرت کشمکش و منازعه داشتند. در مجموع به جز طبقه دولت و روحانیت؛ تمام اقشار جامعه؛ قشر محکوم به حساب می آمدند که دولت با سلاح زور و روحانیت با سلاح معنوی تکفیر با آنان مبارزه می کرد. (شمیم؛ ۱۳۷۹: ۳۷۴)

یک بازرگان از درآمد خود ناگزیر بود که هم سهم دولت را تحت عنوان مالیات بپردازد و هم سهم امام و خمس و زکات را به جا آورد.

این موضوع که روحانیت یکی از قطب های مسلم قدرت در دوره قاجار بود پیامدهایی به همراه داشت شامل: پناه بردن مردم از حکومت به مجتهدان زمان بود . از بازگو کردن فضای کشور در دوره قاجار قصد داشتیم که چگونگی باز شدن بستر برای ایجاد ارتباط با غرب که باعث حاکم شدن زمینه های سرمایه داری بود را بیان کنیم.

- رفت و آمد ناصرالدین شاه به اروپا
- تاسیس دارالفنون
- دادن امتیازات تالوت و... به کشورهای روس و انگلیس که باعث رفت و آمد اروپاییان به ایران می شد
- رفت و آمد بازرگانان که از فضای حکومتی کشور به ستوه آمده بودند
- شکست روسیه از کشور ژاپن که بر حسب اتفاق در کشور ما هم به فعالیت استعماری مشغول بودند
- برانگیختن حس مقایسه مردمی برای دوری از انفعال؛ همگی زمینه را برای رسوخ فرهنگ غربی در ایران فراهم می کرد

(شمیم؛ ۱۳۷۹: ۳۸۰)

مکتب بریتانی پیش از دارالفنون و تاسیس مدارس؛ بیشتر مسجد و منبر بود و زنان در خانه زندگی می کردند و تقریباً هیچ ارتباطی با محیط بیرون از خانه نداشتند. عقیده مردان این بود که زن مطلقاً باید مطیع امر شوهر باشد بنابراین اصل؛ دختران را طوری تربیت می کردند که وقتی به خانه ی شوهر رفتند؛ شخصیت خود را در برابر شخصیت او فراموش کنند و تولید مثل و نگهداری و تربیت اولاد وظیفه شرعی او بود.

اگر وضعیت بهداشت؛ درحد مطلوبی بود جمعیت ایران در آن دوره تا سه برابر افزایش می یافت اما به تدریج با رفت و آمد هایی که با اروپا و تدوین سفرنامه ها و نقل قول هایی که از آن کشور ها می شد با توجه به اینکه در نظام سرمایه داری زنان می توانستند در پیش برد اقتصاد نقش زیادی ایفا کنند

به ویژه در زمینه ترویج مد از آنان استفاده زیادی می شد و به مرور زمان این روند در ایران نیز به اجرا درآمد و خصوصاً کسانی که در غرب تحصیل می کردند بعد از بازگشت به ایران و مشغول شدن به پست های حکومتی به خانواده خود آزادی های بسیار می دادند.

به علاوه اینکه روس ها و انگلیسی ها با طرز فکر غربی خود در کشور حضور داشتند. بدین گونه؛ طبقه جدیدی قد علم کرد که خواستار کنار زدن یک سری از محدودیت های پیشینی بود پس طبقه ی خواهان تغییرات جدید در مقابل طبقه سنتی قد برافراشت. (شمیم؛ ۱۳۷۹: ۱۳۷)

در پوره قاجار؛ اکثریت جامعه ایرانی یعنی قریب به ۹۷ درصد مردم بی سواد بودند و به غیر از کسانی که با علوم جدید سروکار داشتند و با تمدن غرب آشنا بودند؛ بقیه بی سوادان در حدود خواندن و نوشتن و حساب کردن می آموختند و از همان آغاز ورود به مکتب به آموختن قرآن و شرعیات می پرداختند.

پس ماندگی اقتصادی و فنی ایران نخستین بار در جنگ های ایران و روس؛ بر ایرانیان (دست کم قشر فهمیده) آشکار شد. به همین دلیل بود که عباس میرزا؛ ولیعهد اقدام به اعزام دانشجویان به اروپا کرد و سعی در ایجاد کارخانه کرد اما اثر اقدامات او کوتاه بود و حرکت او را امیر کبیر ادامه داد که به دلیل قتل او نتوانست به نتایج بنیادین برسد اما نتایجی را هم در جامعه ایران بر جای گذاشت.

بعد ها این زمینه سازی ها منجر به اقدامات جدیدی توسط میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان در زمینه سرمایه گذاری خارجی شد..

نکته مهم در تشکیل سلسله قاجار این بود که این حکومت مرکزی و پایدار بود و فضای کشور ترکیبی از نوسازی و آشفتگی بود؛ کشور های دیگر به ایران دست اندازی می کردند و از سوی دیگر شرایط داخلی برای تولید کنندگان مساعد نبود از جمله نبودن مواد اولیه تولیدی مثل چغندر قند به مقدار کافی که تولید و تجارت و بازرگانی را هم با مشکل مواجه کرده بود. تاسیسات کشاورزی مثل تراکتور هنوز به ایران نرسیده بود .

ازسوی دیگر سرمایه های کشور مکمل یکدیگر بودند یعنی برای داشتن یک اقتصاد پویا نیاز به کارگران ماهری است که بتوانند امکانات را ایجاد و شکوفا کنند.

کشور نیز نیازمند رهبرانی کاردان داشت که اکثر رجال ایرانی به خصوص ناصرالدین شاه چنین انتظاری نمی رفت.. سرمایه گذاری با شرایط نا بسامان آن روز ایران؛ ریسک محسوب می شد.

تمام این کاستی ها بستر را برای نفوذ سیستم سرمایه داری به کشور فراهم می کرد.

(دادخواه؛ ۱۳۸۸: ۶)

ویژگی های دوره قاجار که موجب شد بستر تحولات طبقاتی ایران در آن فراهم کردند شامل:

۱- دوران قاجار؛ حکومتی واحد و پس از آن دهه های نخستین؛ مرزهای ثابتی را نیز به وجود آورد که بسیاری از ایرانیان می توانستند با آن احساس هویت کنند؛ هرچند که اکثر آن ها از قاجار نفرت داشتند.

این مرز ها طی قرون نوزدهم در نتیجه پیش روی های روس ها در شمال شرقی و شمال غربی؛ مداخله انگلیس ها در جنوب و شرق؛ و توافق بر سر مرز های عثمانی؛ تا حدی فرو کاسته شد و بخشی از سرزمین های ایران به استقلال نسبی رسیدند.

۲- در این دوره شاهد گسترش چشم گیر مناسبات سیاسی؛ اجتماعی؛ اقتصادی و فکری با غرب بود. آشنایی دامنه دار با غرب نوین از پیامدهای ناخواسته شکست ایران در جنگ با همسایه شمالی؛ روسیه بود.

جریان های روشن فکری از نیمه دوم قرن نوزدهم در اثر مراوده فرهنگی و اقتصادی با غرب نوین سر بر آوردند. غرب نوپدیده ای بود که ایرانیان شناخت عمیقی از آن نداشتند. نرخ بالای بی سوادی مردم در این دوره یکی از علل نا آگاهی آنان از بنیادهای اساسی غرب به شمار می رفت.

۳- قدرت های غربی اغلب قادر به تحمیل خواستخ و اراده خود بودند؛ چنانچه روس ها در اوایل قرن نوزدهم در دوجنگ پیروز شدند و غنیمت های اقتصادی و سرزمینی قابل توجهی به دست آوردند. گرایش به ارتباط با ایران داشتند.

۴- برخی شخصیت های حکومتی و روشن فکران که با سازماندهی ارتش؛ علوم؛ فناوری؛ آموزش و پرورش و دیگر عرصه های نظری و عملی در غرب آشنا می شدند. به آن ها به عنوان راه هایی برای غلبه بر عقب ماندگی ایران و ایجاد یک دولت و مردمی با حقوق شهروندی نیرومند می نگریستند و گروهی تقاضای محدود شدن قدرت سلطنت را؛ بیشتر بر پایه الگوهای غربی؛ مطرح می ساختند که اوج آن به نهضتی تبدیل شد که به قانون اساسی ۱۲۸۵ انجامید.

۵- با اینکه تغییرات اجتماعی- اقتصادی چه از درون و چه از بیرون به واسطه روابط با غرب پیدی آمد اما بسیاری از ساختارهای جامعه هم به نسبت پایدار ماند در نیمه دوم دوران قاجار؛ اقتصاد همانا مرکب از مناطقی خود کفا و ضعیف بود. و مبادله داخلی به حداقل کاهش یافته بود.

۶- زنان هم گروه جداگانه ای را تشکیل می دادند که از استقلال کم تری برخوردار بودند اما نفوذ شان با روی کار آمدن سرمایه داری بیشتر شد.

۷- با وجود تلاش برای تغییر در دوره قاجار و تحولاتی که در جامعه ایجاد شد اما سرمایه داری به شکل مدرن آن در ایران شکل نگرفت. (گودرزی؛ ۵۷؛ ۱۳۸۷)

به طور کلی وسیله پرورش افکار مدرن برای مردم جامعه وجود نداشت و دنیای مردم منحصر به حصار بود که ارکان آن را معتقدات عمومی تشکیل می داد. گاهی مردم به خرافه ها و باورهای قدیمی خود رنگ مذهبی می بخشیدند و همین فضا بود که زمینه را برای:

۱- ایجاد طبقات جدیدی چون قشر تحصیل کرده؛ که بعد ها تشکیل خانواده داده و متاثر از نظام سرمایه داری و غربی جدید و مخالف اعمال محدودیت بر جامعه بودند.

۲- اثر گذاری فرهنگ غرب بر بازرگانان و تجار و اقشار پر رفت و آمد بهاروپا که موجب تغییر طرز فکر آنان نسبت به ایفای نقش زنان در جامعه که دی و فنی ایرانالبتة روند تدریجی داشت و نمونه ی دیگر برداشت های سید جمال الدین اسدآبادی از شیوه صحیح دین داری و ارابه دیدگاه جدید نسبت به فرد مسلمان.

ما نتایج این تحولات را در نقش زنان در وقوع انقلاب مشروطه و قیام آنان در واقعه ی مسجد گوهرشاد در دوره رضاشاه می بینیم. آمدن صنعت چاپ و تلگراف و چاپخانه به شکل نوین و ایجاد نشریات و دارالترجمه ها و... بستر تمامی این وقایع را که موجب ظهور طبقات و طرز فکرهای جدیدی در جامعه ایران در دوره قاجار بود در ابتدا با سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا آغاز شد. (شمیم؛ ۱۳۷۹: ۳۷۰)

۶. نتیجه گیری

دوره قاجاریه؛ عصری حساس در تاریخ ایران محسوب می شود که مقارن است با دوره اوج سرمایه داری غربی. همان گونه که گفته شد وقایع زیادی زمینه را برای نفوذ سرمایه داری غربی به ایران باز کرد که در نهایت موجب تغیی نگرش و طبقات در کشورمان شد.

سرمایه داری در جامعه ایران علاوه بر ترکیب طبقات و دیدگاه ان ها؛ زمینه سازی برای وقوع انقلاب مشروطه در ایران بود. در میان اقشار مختلفی که در ایران بودند و واکنش ها در مقابل نفوذ غرب بر جامعه ایران؛ کسانی که طرفدار تلفیق سنت و مدرنیته بودند بازخورد و پاسخ بهتری دریافت می کردند. تاثیر غرب بر ایران روندی تدریجی داشته و افراط و تفریط در این زمینه؛ نتایجی به دنبال نداشته است.

از این مقاله نتیجه می گیریم علی رغم مخالفت اقشاری از جامعه ایران با نفوذ سرمایه داری ایران تحت تاثیر غرب قرار گرفت و چاپ نشریات و دارالترجمه ها نقش مهمی داشتند و زمینه ساز تحولات بزرگ ایران شده اند گرچه نفوذ فرهنگ بیگانه در کشورهایی که ساختار دینی و سنتی دارند به سختی بیشتری نسبت به دیگر جوامع صورت می گیرند و روندی کند تر خواهد داشت چرا که طبق نظر بوروس کوپن جامعه به دو بخش مادی و غیر مادی تقسیم می شود و معمولاً بخش غیر مادی به دلیل اینکه ریشه در عقاید و تعصبات مردم دارد دیر تر از بدنه مادی فرهنگ؛ متحول می شود و ما شاهد این رخ داد در کشور خود بوده ایم.

به طور کلی در صورتی که ایران مانند کشوری مثل چین انزوا در پیش می گرفت و ارتباط خود را در برهه حساس قاجاریه با جهان اطراف قطع می کرد چه بسا علی رغم تمام شکست هایی که ایران در این دوره تجربه کرد؛ اما بستر انقلاب مشروطه و کم تر کردن خطر استعمار روسیه و انگلیس بر ایران هیچ گاه فراهم نمی شد. در این تحقیق واکنش اقشار مختلف را در برابر نفوذ سرمایه داری به دست داده ایم و آنان را به سه طبقه تقسیم کرده ایم و رابطه اندیشمندان مشروطه با تحولات تاریخی را بررسی کرده ایم که نوآوری جدید تحقیق است.

مراجع

- ۱- اکرم پور: رزا؛ چرخش نخبگان سیاسی در اوایل و اواخر قرن نوزدهم
- ۲- رهبری؛ هادی پور بررسی ماهیت طبقاتی تجار در دوره قاجار
- ۳- شمیم؛ علی اصغر؛ ۱۳۷۹؛ ایران در دوره سلطنت قاجار؛ تهران؛ نشر دانشگاه تهران
- ۴- گودرزی؛ غلامرضا؛ ۱۳۸۷؛ دین و روشن فکران مشروطه؛ نشر اختران